



تفسیر آیات مشکل

درس ۱۱

عالم ذرّ

استاد: آیت الله یعقوب جعفری

کارشناسی ارشد

مقدمه

از مباحثی که محل اختلاف بسیاری مفسران شده، بحث از عوالم قبل از به دنیا آمدن انسان است که انسان پیش از ورود به این دنیا آن‌ها را پشت سر گذاشته است. یکی از این عوالم در لسان روایات عالم «ذر» یا عالم «میثاق» نام گرفته، که خداوند در آن از فرزندان آدم عهدی را گرفت که همه به مقام ربوبیت الهی اقرار کردند و شهادت به یگانگی او دادند. گفته بعضی مفسران قرآن هم، به وجود چنین عالمی دلالت دارد و عالم ذر را اثبات می‌کند. بنابراین در این درس به دنبال اثبات و رد وجوه مختلف گفته شده درباره وجود این عالم براساس آیات قرآن هستیم، تا حقیقت امر روشن شود.

محتوای آموزشی

«وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ. أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ.» (اعراف، ۱۷۲)

و هنگامی که پروردگار تو از فرزندان آدم، از پشت‌هایشان، فرزندان‌شان را گرفت و آنان را بر خودشان گواه کرد، آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: آری گواهی می‌دهیم. مبادا در روز قیامت بگویند که ما از این غافل بودیم. یا بگویند همانا پدران ما از پیش (به خدا) شریک قرار دادند و ما فرزندان پس از آن‌ها بودیم. آیا ما را به سبب آن‌چه که اهل باطل انجام داده، هلاک می‌کنی؟

لغت و اعراب

۱. «اخذ ربك» التفات از تکلم به غیبت است و این به جهت تعظیم شأن پیامبر اسلام است که به جای «اخذنا» فرموده: «اخذربك».
۲. «ظهورهم» جمع ظهر به معنای پشت، و منظور از آن صلب بنی آدم است. ضمنا «من ظهورهم» بدل از «من بنی آدم» است، بدل کل از بعض.
۳. «ذریتهم» فرزندان‌شان. ذریه از «ذرّ» به معنای مورچه و موجودات ریز است؛ چون ذریه بیش‌تر به فرزندان کوچک گفته می‌شود، یا از «ذره»، به معنای خلق و یا از «ذرو» به معنای پراکنده شدن است؛ چون نسل بشر به وسیله فرزندان در دنیا پراکنده می‌شود. ضمنا «ذریتهم» مفعول «اخذ» می‌باشد.
۴. «بلی» جواب «الست» است و معنای اثبات می‌دهد. از ابن عباس منقول است که گفته: «لوقالوا نعم».

لکفروا»، چون «نعم» در پاسخ نفی به معنای تصدیق نفی است و اگر می‌گفتند: «نعم» معنایش این بود که بلی پروردگار ما نیستی!

۵. «ان تقولوا» به عقیده بعضی‌ها تقدیر آن: «کراهه ان تقولوا» است و به عقیده بعضی‌ها، در این جا لای نفی مقدر است به تقدیر «ان لا تقولوا».

۶. «مبطلون» جمع مبطل، اهل باطل، نادرست.

تفسیر

عالم ذرّ

در این آیات، از حقیقت بزرگ خبر می‌دهد و آن این که خداوند نسل بشر را مورد خطاب قرار داده و از آن‌ها پرسیده است: آیا من پروردگار شما هستم و آن‌ها همگی به ربوبیت حق تعالی اقرار کرده‌اند و گفته‌اند: آری گواهی می‌دهیم.

حال این پرسش مطرح است، که آیا این گفت‌وگو در خارج اتفاق افتاده و یک واقعیت عینی است که در لسان روایات به آن «عالم ذرّ» گفته شده، یا یک حالت فرضی و تمثیلی دارد؟ و اگر وجود چنین عالمی را که روایات بسیاری بر واقعی بودن آن دلالت دارد، بپذیریم، آیا این آیه مربوط به همان عالم است؟ برای روشن شدن مطلب، لازم است در چند محور بحث شود:

عالم ذرّ چیست؟

در زبان اخبار و احادیث وارده از معصومین (علیهم‌السلام) از وجود عالم‌های گوناگون و از جمله عالمی خبر داده شده که به آن «عالم ذرّ» یا «عالم الست» و یا «عالم قالوایی» گفته می‌شود. این عالم که مربوط به دوران پیش از خلقت آدم و یا هم‌زمان با خلقت اوست، عالمی بوده که در آن تمام انسان‌هایی که مقدر بوده تا روز قیامت به دنیا بیایند، به صورت ذره و به تعبیر بعضی از روایات به شکل مورچه در آن جا گرد آورده شدند و از آن‌ها پیمانی بر توحید، یگانگی، ربوبیت خدا و نبوت پیامبران از جمله نبوت پیامبر اسلام و ولایت اوصیا، از جمله ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، گرفته شد و سپس آن افراد که به صورت ذره بودند از بین رفتند و یا به جایگاه اولی خود برگشتند.

روایات فراوانی در این زمینه در کتب حدیث آمده و به شیوه‌های مختلف نقل شده است و محدثان شیعه و سنی آن‌ها را آورده‌اند. ما اکنون چند روایت را که، هم در کتب معتبر آمده و هم دلالت روشنی بر مطلب دارد، نقل می‌کنیم. پس از آن به بررسی دلالت آیات و روایات و نظریه‌های دانشمندان در این زمینه خواهیم پرداخت و در پایان، نظر خود را اعلام خواهیم کرد:

۱- قَالَ زُرَّارَةُ: وَ سَأَلْتُهُ (یعنی اباجعفر علیه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ. الْآيَةُ. قَالَ: «أَخْرَجَ مِنْ ظَهْرِ آدَمَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَخَرَجُوا كَالذَّرِّ، فَعَرَفَهُمْ وَ أَرَاهُمْ نَفْسَهُ، وَ لَوْ لَأَ ذَلِكَ لَمْ يَعْرِفَ أَحَدٌ رَبَّهُ»^۱.

زراره می گوید: از امام باقر درباره سخن خدا پرسیدم، که فرمود: «هنگامی که پروردگارت از پشت‌های بنی آدم فرزندان را خارج کرد...» امام فرمود: خداوند از پشت آدم فرزندان او را تا روز قیامت بیرون آورد و آن‌ها مانند ذره^۲ بیرون آمدند؛ پس صنعت خود را به آن‌ها نشان داد و معرفی کرد، و اگر این کار نبود کسی پروردگارش را نمی شناخت.

۲ - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فَطَرَتِ اللَّهُ التِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا مَا تِلْكَ الْفِطْرَةُ قَالَ هِيَ الْإِسْلَامُ فَطَرَهُمُ اللَّهُ حِينَ أَخَذَ مِيثَاقَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ قَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ فِيهِ الْمُؤْمِنُ وَ الْكَافِرُ^۳.

عبدالله بن سنان می گوید: از امام صادق درباره این سخن خدا پرسیدم، که فرمود: «فطرت خدا که مردم را بر آن آفرید» این فطرت چیست؟ امام فرمود: آن اسلام است که مردم را براساس آن آفرید و این هنگامی بود که پیمان آن‌ها را بر توحید گرفت و گفت: آیا پروردگار شما نیستیم؟ و در آن‌ها، هم مؤمن و هم کافر بود. ما تصور می کنیم اگر وجود چنین عالمی از نظر شرعی مسلم باشد، هیچ مانعی از نظر عقل وجود ندارد، که ما آن را بپذیریم و این که ما آن عالم را به یاد نمی آوریم، دلیل بر انکار آن نمی شود. ما عالم رحم و دوران جنینی خود را هم به یاد نمی آوریم، ولی می دانیم که در چنین عالمی بوده ایم و همین که از طریق فطرت و عقل پی به ربوبیت خدا می بریم می تواند نشانه‌ای از آن عالم باشد.

تفسیرهای متفاوت از عالم ذرّ

درباره حقیقت عالم ذر، نظریه‌های مختلفی وجود دارد، که بازگشت آن‌ها به دو نظریه زیر است:

اول، نظریه محدثان و بعضی از مفسران قدیمی دایر بر این که خداوند همه افراد بشر را در عالمی به صورت ذره یا مورچه گرد آورد و در گفت‌وگویی که بین خدا و افراد بشر در آن عالم اتفاق افتاد، از آنان برای ربوبیت خود اقرار گرفت.

از کسانی که این نظریه را دارند می توان از مفسران قدیمی، از ابن عباس، سعیدبن مسیب، سعیدبن جبیر، ضحاک و

۱. صدوق، التوحید، ص ۳۳۰.

۲. می توان ذره را به مورچه ترجمه کرد.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲.

کلبی یاد کرد.^۱ بسیاری از علمای شیعه به‌ویژه محدثان آنها مانند شیخ صدوق و مجلسی هم همین نظر را دارند. ابن انباری گفته است: مذهب اهل حدیث و بزرگان اهل علم در این آیه این است که خداوند از صلب آدم و اولاد او، ذریه او را به‌صورت ذره بیرون آورد و از آنها پیمان گرفت که او خالق آنهاست و آنها آفریده او هستند. آنها همگی اعتراف کردند و پذیرفتند و این کار بعد از آن صورت گرفت، که خدا در آنها عقولی قرار داد که با آن سخن خدا را فهمیدند. ابواسحاق گفته است: ممکن است خداوند برای آنها فهمی قرار داده که با آن مطلب را درک کرده‌اند، همان‌گونه که فرموده: **قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ**. (نمل، ۱۸)^۲

عمده‌ترین دلیل این گروه، روایاتی است که، هم شیعه و هم اهل سنت آنها را نقل کرده‌اند و در آنها تصریح به این معنا شده است.

دوم، نظریه متکلمان و بسیاری از مفسران به‌ویژه مفسران متأخر مبنی بر این‌که آیه مربوط به پیمان فطری انسان‌ها است و تمام انسان‌ها براساس فطرت و عقل خود، خدا و ربوبیت او را می‌شناسند و بر آن اعتراف دارند و با زبان حال نه زبان مقال، توحید و یگانگی خدا را فریاد می‌زنند و این گفت‌وگو که در آیه آمده یک گفت‌وگوی تکوینی است، که با زبان بی‌زبانی صورت گرفته و گفت‌وگوی واقعی نیست.

جمع کثیری از علما و متکلمان اسلامی از از شیعه، معتزله و اهل سنت، نظریه دوم را تقویت کرده‌اند و بعضی از آنها، هم آیه و هم روایات را حمل بر همان میثاق فطرت و عقل کرده‌اند و بعضی دیگر گفته‌اند: اگر هم روایات به وجود چنین عالمی دلالت کند، آیه به آن دلالت نمی‌کند و ناظر بر فطرت و عقل انسانی است و بعضی دیگر گفته‌اند که ما مفهوم آن روایات را نمی‌دانیم و باید علم آن را به خدا و رسول واگذاریم.

شیخ مفید در جواب می‌گوید: این آیه از لحاظ مجاز در لغت مانند آیات دیگری است که در آنها مجاز و استعاره به کار رفته است. و معنای آیه این است که خداوند از هر مکلفی که از صلب آدم و از پشت ذریه او بیرون می‌آید به ربوبیت خود پیمان می‌گیرد و این پیمان به این صورت است که عقل او را کامل می‌گرداند و با آثار صنعت خود او را به حادث بودنش راهنمایی می‌کند و او می‌فهمد که محدثی وجود دارد، که او را آفریده است و کسی شبیه او نیست و او به‌سبب نعمت‌هایی که داده، سزاوار عبادت است، و پیمان گرفتن از آنها به این صورت است.

از نظر شیخ مفید، مفهوم این جمله از آیه که می‌فرماید: «قالوا بلی» این است که حجت عقل در اثبات صانع، آن‌چنان قوی است که هیچ‌کس نمی‌تواند از پذیرش آن امتناع کند.^۳

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۴۷.

۲. تفسیر المنار، ج ۹، ص ۳۹۵.

۳. شیخ مفید، اجوبه المسائل السّرویّه، ص ۲۱۲ - ۲۱۴.

زمخشری در تفسیر آیه شریفه می‌گوید: این از باب تمثیل و تخیل است و معنای آن این است که خداوند برای مردم ادله‌ای قرار داده که بر ربوبیت و وحدانیت او دلالت دارد و عقول و اندیشه‌های آنان را تشخیص دهنده میان گمراهی و هدایت کرده، بر آن گواهی می‌دهد. گویا که آن‌ها را بر خودشان شاهد کرده و اقرار از آن‌ها گرفته و به آنان گفته: آیا پروردگار شما نیستیم؟ و گویا آن‌ها گفته‌اند: آری تو پروردگار ما هستی، بر خود شهادت می‌دهیم و به وحدانیت تو اقرار می‌کنیم. باب تمثیل در کلام خدا و رسول و زبان عربی واسع است و نظیر آن، قول خداوند است: **إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ** (نحل، ۴۰) و مانند: **فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ أُنْتِ يَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ** (فصلت، ۱۱) و نیز مانند قول شاعر: **«قالت له ریح الصبا قرقار = باد صبا به او گفت: آواز بخوان»**. درحالی که سخن گفتنی در میان نبوده است.^۱

این شهر آشوب هم نظر شیخ مفید و سید مرتضی را دارد و در ذیل این آیه به کسانی که آیه را به عالم ذر و جنود مجنده تفسیر کرده‌اند، حمله می‌کند و آن‌ها را حشویه می‌خواند.^۲

آیا این آیه ناظر به عالم ذر است؟

بسیاری از کسانی که عالم ذر را یک جریان واقعی می‌دانند، علاوه بر استناد به روایات، به این آیه هم تمسک نموده و مضمون آیه را حمل بر همان عالم کرده‌اند و این به جهت استنادی است که در همان روایات به این آیه شده است.

در مقابل، گروهی معتقدند که آیه شریفه بر وجود چنین عالمی دلالت نمی‌کند و به تعبیر شیخ مفید و سید مرتضی، آیه از باب مجاز و استعاره، و به تعبیر زمخشری، از باب تمثیل و تخیل است.

فخر رازی بر دلالت این آیه بر عالم ذر، اشکالاتی مطرح می‌کند از جمله این که: طبق آن روایات، خداوند ذریه را فقط از آدم بیرون آورده، درحالی که قرآن به «ظهور بنی آدم» تعبیر کرده که شامل همه انسان‌ها می‌شود، و اساساً چگونه است که ما آن را به یاد نمی‌آوریم و چگونه حجت بر ما تمام می‌شود، به‌ویژه این که علت این کار را به این صورت بیان کرده: **«أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»**

مفهوم سخن این است که انسان نباید از آن غافل شود، در حالی همه از آن غافل هستند و کسی آن را به یاد نمی‌آورد. دیگر این که گرفتن پیمان فقط از عاقل امکان‌پذیر است و خطاب باید به مکلف باشد. آیا آن‌ها در آن عالم عاقل و مکلف بودند؟ اثبات این معنا بسیار مشکل است.^۳

۱. زمخشری، *الکشاف*، ج ۲، ص ۱۷۶.

۲. *متشابهات القرآن و مختلفه*، ج ۱، ص ۸.

۳. *تفسیر فخر رازی*، ج ۱۵، ص ۴۷ به بعد.

مرحوم علامه طباطبائی، درباره ماهیت عالم ذر و نیز درباره دلالت آیه بر آن عالم، بحث مشروحی دارد و پس از طرح اشکالها و نقل پاسخ‌هایی که از آنها داده شده، اثبات وجود ذرّی را برای انسان قابل قبول نمی‌داند و اظهار می‌کند که این اشکالها قابل حلّ نیست و نمی‌توان آیه را بر آن حمل کرد، حتی اگر روایات بر آن دلالت کند.^۱

هم‌سویی فطرت و عقل با عالم ذرّ

اکنون که با جنبه‌های گوناگون مسأله آشنا شدیم و سخنانی را که در این باره گفته شده نقل کردیم، می‌گوییم: آن‌چه به نظر می‌رسد این است که باتوجه به روایات مختلف که بعضی از آنها صحیح است و نمی‌توان از آنها دست برداشت، وجود عالمی به نام عالم ذرّ که خدا ارواح را در آن جمع کرده و از آنها بر ربوبیت خود اقرار گرفته تقریباً امری مسلم است و نباید آن را انکار کرد و اگر بنا باشد مطلبی را که این همه روایات بر آن دلالت دارد نفی کنیم، چیزی برای ما باقی نمی‌ماند؛ ولی می‌گوییم که ما از حقیقت آن بی‌خبریم و این‌که آن عالم را به یاد نمی‌آوریم دلیل بر انکار آن نمی‌شود؛ چون ما عالم رحم و دوران جنینی خود را هم به یاد نمی‌آوریم؛ ولی می‌دانیم که در آن عالم بوده‌ایم.

و اما آیه شریفه: «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»، انصاف این است که بر عالم ذرّ دلالت نمی‌کند و بیش‌تر با آیات مربوط به میثاق فطرت هم‌سویی دارد. ظاهر آیه دو مطلب را می‌رساند: یکی این‌که خداوند فرزندان آدم را از صلب آنها بیرون آورده که بیان یک حقیقت طبیعی و عینی است و در قرآن نظایر دیگری هم دارد؛ مانند: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (دهر، ۲) مطلب دوم این‌که خداوند از فرزندان آدم اقرار بر ربوبیت خود گرفته است. این سخن به آیاتی شباهت دارد، که در آنها گفته شده که خداوند انسان را براساس فطرت آفریده و فطرت انسان بر توحید است. بنابراین، ربطی مربوط به عالم ذر ندارد و مفهوم آیه این است که انسان براساس فطرت و عقل خود بر ربوبیت خدا گواهی می‌دهد، و گفت‌وگویی که در آیه آمده، گفت‌وگویی تمثیلی است و نظایری در قرآن و کلام عرب دارد که گفته شد.

آن‌چه مهم است این است که ما تصور می‌کنیم که همین پیمان فطری و عقلی که در این دنیا و با این بدن‌ها صورت گرفته، نمودی از عالم ذرّ است که روایات به آن دلالت دارند و اگر چه ما عالم ذرّ را به یاد نمی‌آوریم، ولی از طریق فطرت و عقل، چیزی را درک می‌کنیم که در آن عالم به آن ملتزم شده‌ایم.

شاید برای همین است که در بعضی از روایات عالم ذر، به این آیه استشهاد شده، به این بیان که فرزندان آدم در

۱. علامه طباطبائی، *المیزان*، ج ۸، ص ۳۱۸.

۲. شیخ حر عاملی صاحب *وسائل‌الشیعه*، این روایات را در حد تواتر می‌داند و می‌گوید: بیش از هزار حدیث در این باره نقل شده است. *الفصول المهمه*، ج ۱، ص ۴۲۵.

عالم ذر به چیزی ملتزم شدند که در فطرتشان قرار داده شده و این همان است که در آیه: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ...» آمده است. در واقع برای تقریب ذهن، جریان عالم ذر به میثاق فطرت که آیه به آن دلالت دارد، تشبیه شده است و لذا دیدیم که در بعضی از روایات مربوط به عالم ذر، به آیه «فطره الله التي فطر الناس عليها» هم استناد شده است.

چکیده

این درس در ارتباط با عالم، قبل از دنیا سخن می‌گوید که براساس خطابی از ناحیه الهی، همه انسان‌ها به ربوبیت حق تعالی اقرار کرده‌اند. درباره حقیقت عالم ذر، نظریه‌های مختلفی وجود دارد: در لسان احادیث وارده از معصومین (علیه‌السلام) از این عالم خبر می‌دهد که همه انسان‌ها در آنجا گرد هم آورده شده‌اند و به ربوبیت خدا و نبوت پیامبران و ولایت امیرالمؤمنین اقرار کرده‌اند. نظریه دیگر این عهد را مربوط به پیمان فطری تمام انسان‌ها می‌داند که براساس فطرت و عقل خود، خدا و ربوبیت او را می‌شناسند و بر آن اعتراف دارند. از این رو خطاب و گفت‌وگوی فوق را از باب مجاز و استعاره و یا تمثیل و تخیل می‌دانند که به صورت تکوینی است و با زبان حال است و نه مقال. در جمع‌بندی آخر نویسنده، معتقد است اگر چه اثبات عالم ذر از آیه مربوطه دشوار است، ولی پیمان فطری و عقلی که در درون همه انسان‌ها وجود دارد، نمودی از عالم ذر است که روایات به آن دلالت دارند و اگرچه ما عالم ذر را به یاد نمی‌آوریم، ولی از طریق فطرت و عقل، چیزی را درک می‌کنیم که در آن عالم به آن ملتزم شده‌ایم.